

بررسی آثار توفیق سبحانی در ارتباط با تاریخ و فرهنگ عثمانی و ترکیه

عباس بصیری^۱

چکیده

مقوله فرهنگ به عنوان یک عنصر مهم در مناسبات انسانی حد و مرزی را نمی‌شناسد و در طول تاریخ موجب نزدیکی ملت‌ها بوده است. از همین رو شناخت فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف همواره از سوی ساکنان سرزمین‌های مختلف یک خواسته اساسی است. دو سرزمین ایران و عثمانی هرچند به لحاظ سیاسی در برهه‌های مختلفی از تاریخ دچار چالش و تنش‌های بسیار بودند، اما از نظر فرهنگی در تبادل فرهنگی به سر می‌برده‌اند و تأثیر و تأثر دوسویه با بررسی‌های دقیق قابل مشاهده است. از این رو در دوران معاصر حرکتی از سوی فرهیختگان هر دو سمت آغاز شده است تا علاوه بر شناخت تاریخ و سرزمین مجاور خویش در صدد بازیابی عناصر فرهنگی متعلق به فرهنگ خودی در سرزمین بیگانه باشند. در ایران نیز در همین زمینه و بستر کسان بسیاری به تکاپو و تلاش افتادند تا بتوانند با حرکت به سمت ترکیه که باقی مانده‌ای از دولت بزرگ عثمانی است، هر چه بیشتر عناصر فرهنگ ایران را هویدا سازند. می‌توان از کسانی همچون مجتبی مینوی، محمد امین ریاحی و توفیق سبحانی در این ارتباط یاد کرد. تکیه اصلی در این مقاله بر روی توفیق سبحانی است تا مشخص شود این فرد تا چه حدی در ارتباط با ترک‌شناسی و عثمانی‌شناسی فعالیت داشته است. همچنین برای بازیابی عناصر فرهنگ ایرانی در عثمانی و ترکیه چه کرده و از این رهگذر چه آورده‌هایی را برای میهن خود به ارمغان آورده است. سبحانی با توجه به حوزه تخصصی خود بیشتر در عرصه ادبیات و مولوی پژوهی و تصوف ورود کرده است. ضمن آنکه فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ترکیه از کارهای شاخص اوست.

واژگان کلیدی: توفیق سبحانی، نسخه خطی، تصوف، مولوی، گولپینارلی.

An Evaluating Study on Towfiq Sobhani's Works About history and culture of the Ottoman Empire and Turkey

Abbas Basiri²

Abstract

Culture as an important element in human relations is a borderless one, and through history it has led to the affinity of nations. Therefore, People of the various nations always have desired to know about the different cultures and sub-cultures. Iran and Ottoman, despite of their political challenges and tensions in various periods, have had cultural exchanges and mutual impression could be detected. Thus, many contemporary scholars, both Turkish and Iranian, have set out to recognize their national cultural elements in the other culture. Many of Iranian scholars share this mutual interest for cultural recognition of each other, and they have tried to reveal the elements of Persinate culture in Turkey as the inheritor of Ottoman Empire. Mojtaba Minovi, Mohammad-Amin Riahi and Towfiq Sobhani, among others, could be mentioned as the most prominent Iranian scholars of Turkish studies. This article is focused on Towfiq Sobhani, who has spent a considerable part of his career in Ottoman and Turkish studies. Sobhani has tried to detect the Iranian elements of Turkish culture. His most important area of interest in Turkish studies are literature and Sufism with an emphasis on Rumi. He has also cataloged many of manuscripts in Turkish Libraries.

Key words: Towfiq Sobhani, manuscript, Sufism, Mawla, Abdülbaki Gölpınarlı.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران.

2. PHD Student of Islam History, University of Tehran. E-mail: basiriabbas@yahoo.com

زیست‌نامه

توفیق هاشم‌پور سبحانی در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در شهر تبریز دیده به جهان گشود. تحصیلات دوره ابتدایی خود را در دبستان رودکی و مقطع متوسطه را در دبیرستان‌های رشدیه و لقمان تبریز گذراند. از معلمان دبیرستان وی، علی اکبر صبا، عبدالامیر سلیم، سنجر باتمانقلیچ، جلیل تجلیل، جعفر شعار و مصطفی شعاریان را می‌توان نام برد. در سال ۱۳۴۱ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه تبریز در رشته زبان و ادبیات فارسی اخذ کرد. احمد ترجانی‌زاده، یحیی ماهیار نوابی، سید حسن قاضی طباطبایی، محمد جعفر محجوب، محمود صناعی، احمد علی رجایی بخارایی، عبدالرسول خیام‌پور، منوچهر مرتضوی از استادان وی در این دوره بودند. به صورت غیر مستقیم از جعفر سلطان القرائی نیز درس آموخته است. سبحانی همواره از دبیران دوران دبیرستان و استادانش در دانشگاه تبریز به بزرگی یاد کرده است. در سال ۱۳۴۲ وارد دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت معلم تهران شد. پس از آن راهی ترکیه شد. با شرکت در آزمون ورودی دکترای دانشگاه استانبول (اونیورسیتته) در سال ۱۹۶۹م موفق به ورود به رشته زبان عربی و فارسی شد و در سال ۱۹۷۴م به دریافت درجه دکتری از این دانشگاه نایل آمد. در همین دانشگاه استانبول بود که سمت شاگردی عبدالباقی گولپینارلی را یافت. از سِمَت‌های اجرایی ایشان، نیابت ریاست انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مدیریت گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان (۱۳۵۸-۱۳۶۶) و سرپرستی کتابخانه مرکزی دانشگاه گیلان (۱۳۶۱ - ۱۳۶۲) بوده است. وی سابقه تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تبریز و پیام‌نور را نیز داشته است. همچنین در سوابق وی تدریس در دبیرستان‌های بندر انزلی (۱۳۴۲-۱۳۵۱)، تهران (۱۳۵۲ - ۱۳۵۶)، نیز وجود دارد. او طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ مدتی در دانشگاه دهلی تدریس کرده است. ترجمه کتاب *مولانا جلال‌الدین، زندگانی، فلسفه، آثار گزیده‌ای از آنها*، از وی در دوره سوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان اثر برتر برگزیده شد.^۳

۳. نک: «گفتگو با توفیق سبحانی»، نشریه بخارا (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۲۳)، ص ۲۱۴ - ۲۲۳؛

«میراث مشترک ادب فارسی (مصاحبه با توفیق سبحانی)»، کیهان فرهنگی (آبان ۱۳۸۴، شماره ۲۲۹)، ص ۵ - ۱۷.

اقامت در ترکیه و کتابخانه‌های آن

توفیق سبحانی از بدو ورود به ترکیه به فهرست‌نویسی نسخ خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ترکیه مشغول شد. سال‌های حضور وی در ترکیه دوران آشنایی وی با آثار مربوط به فرهنگ ایرانی در عثمانی بود. تبلور این امر در آشنایی وی با نسخه‌های خطی بود. فهرست‌نگاری نسخ خطی کتابخانه‌های مهم ترکیه بخش مهمی از فعالیت‌های سبحانی در بازشناسی فرهنگ ایرانی است. موفقیت‌های وی در این امر حاصل مسافرت‌های بسیار وی به شهرهای مختلف و بازدید از کتابخانه‌های کوچک و بزرگ ترکیه بوده است. توجه ویژه وی به نسخه‌های خطی فارسی بود که در طی قرون ماضی در جغرافیای حکومت عثمانی به کتابت در آمده بودند. نگارش چنین کتاب‌هایی نشان از تعامل فرهنگی و حضور فرهنگ ایرانی در حوزه نفوذ سیاسی عثمانی است. به این نکته بایست این را نیز افزود که مدت‌های مدید زبان فارسی در قلمرو و دیوانسالاری عثمانی حضور داشته است. سبحانی با تلاش فراوان و ستودنی خود در حوزه‌های مختلف به فرهنگ ایرانی و زبان و ادب فارسی یاری رسانده است. زمینه نسخه‌های خطی را می‌توان از اولویت‌های او دانست. در این میان نقش توفیق سبحانی و کسانی به مانند او پیوند دادن ایرانیان با فرهنگ خودی در سرزمینی بیگانه است. نکته بسیار مهمی که در ابتدای بحث از نسخه‌های خطی باید به آن توجه داد تعداد زیاد کتابخانه‌های ترکیه است که نسخه‌های خطی را در خویش جای داده‌اند. این تعداد مایه مباحث عثمانیان نیز بوده است. برای روشن شدن چند و چون این موضوع و تقریب به ذهن، اسامی این کتابخانه‌ها در این بخش می‌آید.

کتابخانه مغنسیا، کتابخانه ایاصوفیه، کتابخانه تیره (قصبه‌ای در استان آیدین ترکیه)، نجیب پاشا، کتابخانه شهید علی، کتابخانه علی امیری، کتابخانه قسطنطنیه (شمال غربی ترکیه)، کتابخانه اسپارته (خلیل حمید پاشا)، کتابخانه کوتاهییه (وحید پاشا باشی)، کتابخانه ولی الدین افندی، کتابخانه راغب پاشا (صدر اعظم عثمانی) در استانبول، کتابخانه نور عثمانیه (در استانبول)، کتابخانه اسعد افندی، کتابخانه وحید پاشا، کتابخانه موزه آثار ترک و اسلامی، کتابخانه ولی الدین، کتابخانه فاتح، کتابخانه اونورسیتیه (کتابخانه دانشگاه استانبول)، کتابخانه جارالله افندی، کتابخانه طاوشانلی (در شمال غربی کوتاهییه و جنوب شرقی بورسه)، کتابخانه نظیف پاشا (در استانبول)، کتابخانه حمیدیه (به نام سلطان عبدالحمید اول)، کتابخانه سلطان احمد سوم در موزه طوپقاپی سرای، کتابخانه فیض الله افندی (در کتابخانه سلیمانیه)، کتابخانه محمود پاشا (صدر اعظم سلطان محمد فاتح)، کتابخانه موزه باستان شناسی، کتابخانه عزت

قویون اوغلی (در قونیه)، کتابخانه دار المثنوی، کتابخانه آماسیه، کتابخانه خسرو پاشا، کتابخانه مراد ملا (محلّه چهارشنبه استانبول)، کتابخانه حکیم اوغلی (علی پاشا پسر رئیس الاطباء نوح افندی که سه بار در زمان محمود اول و عثمان سوم به صدارت برگزیده شد)، کتابخانه بایزید عمومی، کتابخانه کوپرلی (در استانبول)، کتابخانه راغب پاشا، کتابخانه مُغله، خواجه مصطفی (محلّی در استان آیدین)، کتابخانه دارنده (در استان سیواس)، کتابخانه یوسف آغا، کتابخانه عشاقی تکیه سی، کتابخانه حالت افندی (از رجال سیاسی عصر محمود دوم)، کتابخانه ملّا چلبی (قاضی عسکر ملا چلبی)، کتابخانه نظیف پاشا، کتابخانه اسکی شهر، کتابخانه چلبی عبدالله، کتابخانه خلوصی آتش، کتابخانه اسکلیب، کتابخانه دیار بکر، کتابخانه لالا اسماعیل، کتابخانه عاطف افندی، کتابخانه بغدادلی وهبی (مفتی بغداد متوفای ۱۹۳۳)، کتابخانه ایوب (حاجی بشیر آغا) که در زمان احمد سوم و محمود اول بنا شده است. کتابخانه بروسه (بورسا) شامل چند کتابخانه می‌شود کتابخانه مسجد اورخان، کتابخانه خراجچی اوغلی، اولو جامع، کتابخانه ملی، قورشونلو اوغلی، حسین چلبی، گَنَل (عمومی)، تویقاپی سرای، توقاد، پرتو پاشا، بوردور، بلدیه م. جودت، کتابخانه چور لیلی علی پاشا، کتابخانه چورم (شهری در نزدیکی آنکارا)، کتابخانه حاجی بکتاش (بخش قیر شهر در استان آنکارا)، کتابخانه حسن حُسنی پاشا (ناظر بحریه در زمان سلطان عبدالحمید دوم)، کتابخانه خزینه (بخشی از کتابخانه موزه طویقاپی سرای)، کتابخانه داماد ابراهیم پاشا (صدر اعظم احمد سوم) در استانبول، کتابخانه راشد افندی (از رجال معروف عصر عبدالحمید اول و سلیم سوم) در قیصریه، کتابخانه رئیس الکتاب (مصطفی افندی)، کتابخانه زیله در استان سیواس، کتابخانه صامسون (در استان طرابوزان)، کتابخانه سَرَز (=سیروز) در استان سلانیک یونان، کتابخانه سلیم آغا (محلّه اسکدار استانبول)، کتابخانه سلیمیه تاسیس سلطان سلیم دوم در استانبول، کتابخانه ضیا بیگ در سیواس، کتابخانه عاشر افندی (رئیس الکتاب مصطفی افندی) در استانبول، کتابخانه عینیات، کتابخانه لاله لی (کتاب‌های وقفی مصطفی سوم و سلیم سوم)، کتابخانه مراد بخاری (شیخ مراد یا سید بلخی)، کتابخانه نافذ پاشا (ناظر مالی محمود دوم و عبدالمجید)، کتابخانه نکیده (یا نیک ده) (شهری در شرق قونیه)، کتابخانه ینی جامع (تاسیس توسط سلطان احمد سوم).^۴

۴. توفیق سبحانی، «برخی از نسخ خطی ناشناخته فارسی در کتابخانه‌های ترکیه (فهرست الفبایی و نشانی کتابخانه‌ها و شماره کتب موجود در آنها»، *تحقیقات اسلامی* (سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۷۳، شماره ۱ و ۲)، ص ۱۶۳

تعداد زیاد کتابخانه‌ها نشان از اهمیت کتاب و کتابخانه در عثمانی است. بسیاری از سلاطین عثمانی به گردآوری کتاب و برپایی کتابخانه‌ها همت گماشتند. اسامی فوق‌الذکر دلیل این مدعا است. در سطوح پایین‌تر از سلاطین، بزرگان دستگاه دیوانسالاری، صدر اعظم‌ها، شیخ الاسلام‌ها، قاضی عسگرها، پاشاها، اشخاص دانشمند و فرهیخته و یا حتی صحافان و نسخه‌نویسان نیز کتابخانه‌هایی به نام خود ترتیب دادند که در بالا ذکرشان رفت. سنت کتابخانه‌سازی در دولت عثمانی، یک ارزش تلقی می‌شد. این امر را در کنار سنت اسلامی وقف بایست دید. بسیاری از متنفذین و متمکنین، تأسیس کتابخانه و یا اهداء کتاب را به عنوان وقف برمی‌گزیدند. نکته جالب اینکه بسیاری از کتاب‌های فارسی یا عربی مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران در همین کتابخانه‌های ترکیه موجود است. از این منظر تلاش‌های کسانی چون محمد امین ریاحی، مجتبی مینوی و توفیق سبحانی بیشتر به چشم می‌آید. ایشان در مواجهه با حجم انبوه کتاب‌های فارسی نوعی احساس تکلیف کرده‌اند تا در حد امکان خویش زمینه‌آشنایی هموطنان خود را با بخشی از میراث خود که امروزه در کشور ترکیه قرار دارد، فراهم سازند. امروزه بسیاری از نسخه‌های خطی منحصر به فرد در همین کتابخانه‌ها موجود است.

فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی

کتاب:

توفیق سبحانی کتابی مستقل با عنوان فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ترکیه نگاشته است. در مقدمه این کتاب به آشنایی خود با کتابخانه‌های ترکیه اشاره کرده و می‌افزاید که عزم تهیه فهرستی از نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه را داشته است. سبحانی با مسافرت‌های متعدد، از کتابخانه‌های استانبول و شهرهای دور و نزدیک ترکیه استفاده کرده و نسخه‌های فارسی این کتابخانه‌ها را فهرست کرده است. وی از لزوم آشنایی محققین با نسخ، برای شناسایی کتب ناشناخته سخن می‌گوید. از نظر وی چه بسا پاسخ بسیاری از مجهولات در کتاب‌هایی باشد که همچنان در کتابخانه‌ای به صورت ناشناس و بلا استفاده مانده‌اند. وی در این اثر ابتدا به معرفی کتابخانه‌ها پرداخته و سپس اطلاعات مختصری از کتاب‌شناسی نسخه‌ها ارائه می‌دهد.^۵

۵. توفیق سبحانی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ترکیه (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳).

سبحانی در کتابی دیگر، به صورت مستقل نسخه‌های خطی کتابخانه مغنيسا را فهرست کرده است. این کتابخانه از قدیمی‌ترین کتابخانه‌های ترکیه به شمار می‌رود. بنا بر گزارش وی نزدیک به ۸۷۰۰ نسخه خطی به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی در آن نگهداری می‌شود.^۶ فهرست دیگر، شامل نسخه‌های خطی کتابخانه بورسه است.^۷ همچنین سبحانی به یاری حسام الدین آق‌سو، فهرستی از نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه استانبول (تأسیس ۱۹۲۴م) تهیه کرده است. سبحانی در این کتاب از ۱۶۱۵ نسخه خطی و مجموعه‌ی الرسائل فارسی خبر داده است که برخی از آنها منحصر به فرد هستند.^۸

مقالات:

سبحانی بخشی از کار فهرست نویسی میراث زبان فارسی در کتابخانه‌های ترکیه را به کمک شخصی به نام رمضان ششَن انجام داد. این امر ابتدا در قالب مقاله نویسی سامان یافت. این مقاله به شیوه معجم‌نگاری، نسخه‌های مورد نظر را با ترتیب الفبایی به اختصار معرفی کرده است. به نویسنده آثار و محل نگهداری آنها اشاره شده است. علاوه بر اطلاعات کتاب‌شناسی ذکر شده، موضوعات نسخه‌شناسی شامل شماره کتاب، تعداد برگ، تعداد سطور، زمان تألیف و تاریخ کتابت آورده شده است. بخش بسیار کوتاهی از آغاز نسخه نیز به این مطالب افزون می‌گردد. فهرست‌نگار به ارائه کمترین اطلاعات مربوط به کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی بسنده کرده است. کتاب‌های بسیاری از کتابخانه‌های کوچک به کتابخانه‌های بزرگتری همچون سلیمانیه و آنکارا منتقل شده‌اند؛ با این حال برای مشخص شدن سنت کتابخانه‌سازی در عثمانی و فراگیری آن، فهرستی از آنها در ابتدای مقاله ارائه شد. توفیق سبحانی فهرستی از کتاب‌های کتابخانه‌های بورسا، دیاربکر، راشد افندی در قیصریه، سلیمیه، کتب خطی قسطنطنیه و مراد ملّا تهیه کرده است که در مجموعه‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند. سبحانی همچنین به طور

۶. توفیق سبحانی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مغنيسا (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶).

۷. توفیق سبحانی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه بروسا (گیلان: دانشگاه گیلان، ۱۳۶۸).

۸. توفیق سبحانی و حسام الدین آق‌سو، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه استانبول (تهران: پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴).

جداگانه فهرست‌هایی از کتابخانه‌های گدیک احمد پاشا، صدر اعظم سلطان محمد فاتح در شهر افیون تهیه کرده است.^۹

فهرست کتب خطی کتابخانه کوپرلی مقاله دیگری از توفیق سبحانی است. این کتابخانه به مانند بسیاری از کتابخانه‌های دیگر در استانبول («شهر کتابخانه‌ها») قرار دارد. از نظر داشتن کتاب‌های نفیس و هنری با قدمت کتابت قابل اعتناست. سبحانی از فهرست نشدن بسیاری از نسخ خطی کتابخانه‌های مهم جهان اسلام گلایه می‌کند. وی از کتابخانه سلیمانیه استانبول و ریاست آن به نیکی یاد کرده است. از فهرستی نام می‌برد که توسط فهیمی ادهم قراطای از کتاب‌های موزه توپقاپو تهیه شده است. این کتابخانه به محمد پاشا کوپرلی (متوفی ۱۰۷۲ق) از رجال برجسته دولت عثمانی که بیش از پنج سال صدر اعظم محمد چهارم (۱۰۵۸-۱۰۹۹ق) بوده، منسوب است. سبحانی به موقعیت جغرافیایی کتابخانه و نیز برخی از مهمترین کتابهای موجود در آن اشاره می‌کند.^{۱۰}

سبحانی در مقاله‌ای با عنوان «هزینه کتابت و تذهیب دیوان کبیر شمس وقف شده بر تربت حضرت مولانا» و با توجه به قرار داشتن این دیوان در قونیه به مطالب موجود در آن و نحوه کتابت و تهیه آن پرداخته است. این اثر پس از تهیه بر تربت مولوی بلخی مشروط بر عدم خروج آن از این مکان وقف شده است. وقف آن در سال ۸۱۲ قمری از سوی مستجد بن ساتی المولوی الارزنجانی و استنساخ آن بدست پدرش ساتی المولوی بوده است.^{۱۱}

سبحانی مقاله‌ای درباره نسخه‌ای از مثنوی معنوی در قونیه به نگارش در آورده است و آن را کامل‌ترین نسخه یاد کرده است. نسخه شامل شش دفتر مثنوی در یک جلد و تاریخ نگارش آن ۶۷۷ قمری است. وی بر این نکته پافشاری می‌کند که نسخه معروف قاهره که به ظاهر قدیمی‌ترین نسخه مثنوی معنوی است، مجعول است. وی در پاسخ به نظر محمد استعلامی در این مورد که آن را نسخه زمان حیات مولانا دانسته است، توضیحاتی را بیان کرده است. دلایل

۹. رمضان ششن و توفیق سبحانی، «برخی از نسخ خطی ناشناخته فارسی در کتابخانه‌های ترکیه»، تحقیقات

اسلامی (پاییز و زمستان ۱۳۶۶، شماره ۵ و ۶)، ص ۱۷۰-۱۸۴.

۱۰. توفیق سبحانی، «کتابخانه کوپرلی و فهرست کتب خطی آن»، نامه انجمن (زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲۰)، ص

۳۶-۲۵.

۱۱. توفیق سبحانی، «هزینه کتابت و تذهیب دیوان کبیر شمس (وقف شده بر تربت شریف مولانا)»، نامه

بهارستان (فروردین ۱۳۸۶، شماره ۱۱ و ۱۲)، ص ۳۳۳-۳۳۵.

خود بر مجعول بودن نسخه ۶۶۸ قمری قاهره را اینگونه بر می‌شمرد: ۱- این نسخه حاوی تتمه سلطان ولد بر مثنوی است. ۲- سلطان ولد را با لقب «سلطان الأولیاء» خوانده است. ۳- بلافاصله بعد از لقب «سلطان الأولیاء» عبارت «عظم الله ذکراه» را افزوده است. ۴- عدد سال ستمائه دست خورده است. ۵- رقم «سنه ۶۶۸» در حاشیه راست در پایین صفحه کاملاً جدید است. ۶- مصحح مثنوی، خود نیز در تصحیح مثنوی تتمه سلطان ولد را نیاورده است. وی علاوه بر بیان کردن اشکالات نسخه مد نظر، تصویری از همان صفحه مورد بحث را به صورت ضمیمه به چاپ رسانده است.^{۱۲}

توفیق سبحانی و عبدالباقی گولپینارلی

عبدالباقی گولپینارلی، استاد توفیق سبحانی بوده است؛ از این‌رو، شاگرد در صدد برآمد تا آثار استاد خویش را به هموطنان خود معرفی کند. نخستین اثر گولپینارلی کتاب ملامت و ملامتین است. وی در این کتاب ضمن پرداختن به مسائل و انگاره‌های ملامتیه، از ملامتیه حاضر در آسیای صغیر یاد می‌کند. می‌توان از منظر پژوهش مقایسه‌ای، مشترکاتی را در تحقیق وی برای شناسایی هرچه بهتر ملامتیه ایران (خراسان) به کار بست.^{۱۳} گولپینارلی در زمینه فتوت و جوانمردی صاحب نظر بوده و کتابی در این زمینه به نگارش درآورده است. به طور کلی، گولپینارلی، در مباحث مربوط به تصوف و زوایا و جوانب متعدد آن تخصص ویژه کسب کرده است. عنوان ترجمه شده کتاب که در اصل مقاله‌ای طولانی است، فتوت در کشورهای اسلامی و مأخذ آن می‌باشد. در این اثر عبدالباقی اطلاعات عامی درباره فتوت داده و به مقایسه و نقد فتوت‌نامه‌ها پرداخته است. ارکان فتوت، مذهب و اقتصاد اهل فتوت و تشکیلات اصناف در این کتاب به تفصیل شرح داده شده است.^{۱۴}

سبحانی، کتابی از عبدالباقی گولپینارلی تحت عنوان نشر و شرح مثنوی شریف از ترکی به فارسی ترجمه کرده است. نزدیکی مولانا به ترکان و به خصوص تشکیل طریقت مولویه در

۱۲. نک: توفیق سبحانی، «درباره نسخه‌ای از «مثنوی»، نشر دانش (بهمن و اسفند ۱۳۷۱، شماره ۷۴)، ص ۳۲-

۳۵.

۱۳. عبدالباقی گولپینارلی، ملامت و ملامتین، ترجمه توفیق هـ سبحانی (تهران: روزنه، ۱۳۷۸).

۱۴. عبدالباقی گولپینارلی، فتوت در کشورهای اسلامی و مأخذ آن، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: انتشارات روزنه،

۱۳۷۹).

تاریخ عثمانی از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین می‌توان گفت تحقیقاتی پیرامون تصوّف و مولویه و شخص مولانا در ارتباط مستقیم با ساکنان آناتولی است.^{۱۵}

ترجمه دیگر توفیق سبحانی، تصوّف در یکصد پرسش و پاسخ است. این کتاب حاصل پرسش‌هایی است که شخصی از عبدالباقی پرسیده است. پاسخ‌های وی بعدها در قالب کتاب به چاپ رسید. عبدالباقی گولپینارلی، در لابلای اثر خویش عناصر و انگاره‌های فرهنگ ترکی را بر حسب اینکه زیست جهان اوست از خود بروز می‌دهد. این کتاب در ۱۲ بخش است.^{۱۶} در چارچوب علاقه مشترک بین شاگرد و استاد، سبحانی اثر دیگری از گولپینارلی را شایسته ترجمه می‌بیند. نام کتاب، *مولانا جلال الدین* است. وی در ۴ بخش و ۱۴ فصل درباره زندگی مولانا قلم فرسایی کرده است. در ضمن، این اثر اطلاعاتی نیز درباره آناتولی در زمانه مولوی وجود دارد.^{۱۷} کتاب مولوی پژوهانه دیگری که با قلم عبدالباقی در میان آثارش رخ می‌نماید کتاب *مولویه بعد از مولانا* است. در این کتاب به جریان مهمی در تاریخ تصوّف یعنی «طریقت مولویه» پرداخته شده است. این کتاب حاصل تجربیات شخصی و مطالعات درازدامن گولپینارلی است؛ بنابراین حاوی اطلاعات مهمی درباره آغاز جریان مولویه است. او جریان مولویه و سابقه تاریخی آن را بیش از پیش بسط و گسترش داده و جریان طریقت مولویه را تقریباً تا سال ۱۹۵۰م به پیش می‌کشد. نزدیکی وی به جغرافیایی که مولویه سالیان متمادی در آن زندگی کرده‌اند، این امکان را به وی داده است تا بتواند حرف‌های تازه‌ای درباره مولوی و طریقت منسوب به او عرضه بدارد. چه بسا بسیاری از این اطلاعات منحصر به فرد باشد.^{۱۸}

ترجمه دیگری از آثار عبدالباقی تحت عنوان *در بیان ادبیات دیوانی* در کارنامه توفیق سبحانی به چشم می‌خورد. این نوع ادبیات از قرن یازدهم به این سوی و تحت تأثیر ایرانیان شکل گرفته و خود را در آثار منظوم عثمانی نیز به نمایش می‌گذارد. با فرا رسیدن عصر تنظیمات که جریانی اصلاحی بود، دیگر اثری از اینگونه ادبیات باقی نماند. نمونه‌هایی از اشعار ترکی در

۱۵. عبدالباقی گولپینارلی، *نثر و شرح مثنوی شریف*، ترجمه و توضیح توفیق سبحانی (تهران: سازمان انتشارات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴).

۱۶. عبدالباقی گولپینارلی، *تصوّف در یکصد پرسش و پاسخ*، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: مؤسسه فرهنگی نشر

دریا، ۱۳۶۹).

۱۷. عبدالباقی گولپینارلی، *مولانا جلال الدین*، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، ۱۳۶۳).

۱۸. عبدالباقی گولپینارلی، *مولویه بعد از مولانا*، ترجمه توفیق هـ سبحانی (تهران: کیهان، ۱۳۶۶).

اینگونه‌ی ادبی توسط سبحانی ترجمه شده است. این کتاب در زمینه فرهنگی حکومت عثمانی در دوره رواج و شیوع این نوع ادبیات قابل اعتنا است.^{۱۹}

نقطه اوج کارهای گولپینارلی در شرح مثنوی وی نمود یافت. توفیق سبحانی در مقاله‌ای به این شرح پرداخته است. وی در این مقاله مقدمه‌ای از شرح‌های مختلف بر مثنوی در مناطق اسلامی نگاشته و در ادامه سخن خود را به آسیای صغیر، محل سکناى مولانا و وابستگانش می‌کشد. از جمله شرح‌هایی که وی از آنها یاد می‌کند شروح مصطفی سروری (متوفی ۹۶۹ق)، سودی بوسنوی (متوفی ۱۰۰۵ق)، شمعى (متوفی ۱۰۰۹ق)، عبدالمجید سیواسی (متوفی ۱۰۴۹ق) که شرح بر بخشی از دفتر نخست مولوی است، می‌باشد. صاری عبدالله افندی (متوفی ۱۰۷۱ق) شرح *جوهر بوهر* را بر دفتر نخست مثنوی نگاشته است. شیخ رسوخ الدین اسماعیل آنقروی (متوفی ۱۰۴۱ق) معروفترین شارح مثنوی، اسماعیل حقی بروسوی (متوفی ۱۱۳۸ق) ۱۸ بیت نی نامه را با نام *روح المثنوی* شرح داده است. شیخ مراد بخاری (متوفی ۱۲۶۵ق)، عبدین پاشا (متوفی ۱۳۲۵ق)، احمد عونى قُنُق (متوفی ۱۹۳۸م)، طاهر اولغون المولوی (متوفی ۱۹۵۱م) به همراه عبدالباقی گولپینارلی (متوفی ۱۹۸۲م) که آخرین شرح را در آسیای صغیر بر مثنوی مولانا تحریر کرده است، تازه‌ترین شرح‌ها را بر مثنوی معنوی نوشته‌اند.^{۲۰}

شخص اخیرالذکر تأثیر بسیاری در توفیق سبحانی داشته است. سبحانی به طور مستقیم در اونیورسیتته (دانشگاه استانبول) شاگرد وی بوده است. با نگاهی به آثار توفیق سبحانی در ارتباط با تصوف و یا شخص عبدالباقی می‌توان به این نتیجه رسید که سبحانی تا حد زیادی وام‌دار گولپینارلی است. بسیاری از مباحث مطروحه از سوی توفیق سبحانی، گرت‌برداری از گفتارهای استادش می‌باشد. او را بایست نماینده و معرف عبدالباقی گولپینارلی در ایران دانست. بخش مهمی از کار گولپینارلی به مبحث مولویه مربوط می‌شود. جریانی که در تاریخ حکومت عثمانی نیز قابل تأمل و دارای جایگاه ویژه‌ای است. تربیت خود او در خانواده‌ای که به مولویه گرایش

۱۹. عبدالباقی گولپینارلی، در *بیان ادبیات دیوانی*، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴).

۲۰. توفیق سبحانی، «بررسی آخرین شرح مثنوی در ترکیه»، *نامه فرهنگستان* (تابستان ۱۳۷۴، شماره ۲)، ص

۱۳۲-۱۴۲. همچنین نک: عبدالباقی گولپینارلی، *مولویه بعد از مولانا*، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: کیهان، ۱۳۶۶).

داشته‌اند از دلایل اصلی رغبت وی به این حوزه است. وی بیش از ۵۰ کتاب و ده‌ها مقاله در زمینه‌های تصوف، تاریخ و ادبیات نگاشته است. ۱۴ اثر وی به مولانا و مولویه اختصاص دارد.^{۲۱} عبدالباقی گولپینارلی دلایلی برای نگاشتن شرح بر مثنوی با وجود شروح فراوان سابق اقامه می‌کند. از جمله اینکه بسیاری از شروح در دوره عثمانی نوشته شده‌اند و تابع خط و زبان عثمانی بوده‌اند؛ حال آنکه امروزه فهم زبان عثمانی با چنان سختی برای خود ساکنان آناتولی همراه هست که مطالعه آن شروح، خود تبدیل به یک تخصص شده است. نکته دیگر اینکه بسیاری از شروح، از اصل مثنوی و رهیافت‌های مولانا غافل بوده‌اند و دریافت‌های شخصی خود را بر مولانا بار کرده‌اند. به عنوان مثال استفاده از مباحث ابن عربی برای این حوزه و شناخت مثنوی مولانا از طریق وی قابل ذکر است. بنابراین، می‌بایست اصل مثنوی را مورد مطالعه قرار داد.

وی مقدمه ۴۰ صفحه‌ای مفصّلی دارد. نسخه‌های بیشتری از مثنوی را می‌شناساند و مختصری از کار شارحان قبلی یاد می‌کند. مطالعه این مقدمه برای مولوی پژوهان توصیه شده است، زیرا شرح او به عنوان یکی از آخرین شروح بر مثنوی، تجربیات گرانمایی از چارچوب شروح قبلی استخراج کرده و سعی می‌کند تا اشتباهات و لغزش‌های دیگر نویسندگان تکرار نشود. وی در شرح خود از آثار دیگر مولوی همچون مقالات شمس، و آثاری چون معارف سلطان العلماء، معارف برهان الدین محقق ترمذی بهره برده است. وی آیات و احادیث مثنوی را دقیقاً شرح داده شده است. از شرح قرآنیات مثنوی گولپینارلی به عنوان قوی‌ترین بخش شرح مثنوی وی یاد می‌شود. وی صاحب تفسیری به نام قرآن کریم و مثالی نیز هست. لغات، ترکیبات و اصطلاحات ترکی مثنوی را نیز استخراج کرده است. برخی مسائل اجتماعی مرتبط با تاریخ و محیط اجتماعی ترکیه و مولویه، در شرح به طور مختصر توضیح داده شده است. به عنوان نمونه به مسائل مربوط به بابایه، بکتاشیه، حمزویه (ملامتیه بایرامی) می‌توان اشاره کرد.

علاوه بر اینکه توفیق سبحانی ایرانیان را با افکار و آثار استاد ترک زبان خویش آشنا می‌سازد؛ بایست بر این نکته نیز پای فشرده که شخص گولپینارلی نیز آن‌سان که بایسته بوده است در صدد برآمده تا فرهنگ ایران را در سرزمین ترکیه در معرض دید هموطنانش قرار دهد.

ترجمه‌های وی از *مثنوی معنوی*، *منطق الطیر*، *الهی‌نامه عطار*، *گلشن راز* شیخ محمود شبستری و *دیوان حافظ* برای این مدعا کافی است. وی علاقه‌ای وافر به زبان فارسی داشته است. در مقاله‌ای که اشاره بر مقدمه ترجمه دیوان حافظ به ترکی دارد از تأثیر حافظ بر شاعران ترک زبان سخن پیش می‌کشد.

وی از تأثیرپذیری فضولی بغدادی، شاعر ترک زبان از شعر حافظ سخن گفته و نمونه‌هایی را برای مقایسه شعر دو شاعر عرضه می‌دارد. وی در ادامه می‌افزاید که دیوان حافظ در ترکیه پس از مثنوی و گلستان سعدی از متونی است که مورد توجه قرار گرفته است. حال به راحتی می‌توان این تأثیر پذیری و یا همدلی با متون فارسی را به قرون ماضیه یعنی زمانی که عثمانی‌ها بر مسند قدرت تکیه زده بودند، تعمیم داد. نکته دیگری که سبحانی در این مقاله می‌افزاید این است که شعر حافظ از این حیث که دارای تعبیر بلند و معانی تغزلی و عرفانی لایه لایه است از دیرباز مورد توجه صوفیه و اهل طریقت در عثمانی و ترکیه بوده است. ایشان همواره در دریای معانی حافظ غور کرده و معانی را همچون درّ از عمق به ساحل فکر خویش آورده‌اند. وی می‌گوید با وجود ندرت این امر، گهگاه دیوان حافظ در مدارس نیز تدریس می‌شده است. کهن‌ترین شرح بر دیوان حافظ در عثمانی از سروری (متوفی ۹۶۹ق) است و شمعی (متوفی ۱۰۰۶ق) پس از وی دیوان حافظ را شرح کرده است. نکته جالب اینجاست که هر دو نفر مذکور مثنوی را نیز شرح کرده‌اند. البته ناگفته نماند که شرح شمعی دارای ایرادات اساسی و اشکالات فراوان است؛ زیرا وی معنای ابیات را در نیافته است. شرح وهبی که منسوب به یکی از پیروان طریقت مولویه به نام محمد وهبی اهل قونیه است، در زمان سلطان محمود دوم (۱۸۰۸ - ۱۸۳۹م) تدوین شده است. از نظر توفیق سبحانی: «از سر تا پا یاوه، زورکی و سرشار از تعبیرات خنده آور است. به نظر وهبی، حافظ از مولویه است و هر کلمه او معنای عرفانی دارد.» از نظر توفیق سبحانی کامل‌ترین شرح دیوان حافظ از شمعی و شرح معاصر او سودی است. او گوید: «سودی جای جای در شرح خود به خطاهای سروری و شمعی با لحنی طنزآلود و طبق عادتش اندکی هم تعرض آمیز اشاره دارد.» غزل‌های آمیخته به دیوان حافظ را تشخیص داده است. این مقاله حاوی مطالب جالب دیگری نیز هست که در ارتباط با حافظ و شعر اوست.^{۳۲}

۳۲. نک: عبدالباقی گولپینارلی، «پیشگفتار ترجمه دیوان حافظ»، ترجمه توفیق سبحانی، *اطلاعات حکمت و*

توفیق سبحانی همچنین مقاله‌ای از عبدالباقی گولپینارلی با عنوان «دیروز و امروز» ترجمه کرده است. گولپینارلی در آن سعی کرده تا ارتباطات و نوع مرادوه مردم در گذشته را بیان کرده و از مناسبات صمیمانه گذشته سخن گوید. وی نوع زندگی و نحوه برخورد افراد با هم را به تصویر کشیده و به خوبی می‌توان حالتی نوستالژیک و غم غربت بار را در کلام گولپینارلی مشاهده کرد. او دور شدن از فضای صمیمی گذشته را نمی‌پسندد. با تغییرات در نوع زندگی و معیشت همشهریانش احساس غریبی می‌کند. شاید بتوان گفت علاقه وی به سنت اسلامی، ادبیات گذشته، تصوّف و تمام صفا و خلوص موجود در آنها، گولپینارلی را دچار غم غربت کرده است. با این حال وی همواره به سنت مذکور اهمیت داده و در صدد شناساندن آن به هم‌عصران خویش بوده است. در پایان مقاله گوید: «گاهی غربت وطن می‌شود و گاهی وطن دم از غریبی می‌زند.»^{۲۳}

نامداران ترک در قلم سبحانی

یکی از زمینه‌های کاری سبحانی در ارتباط با کشور ترکیه معرفی چهره‌های برجسته فرهنگی آن از طریق ترجمه متون آنان است. از آن جمله می‌توان عبدالباقی گولپینارلی، محمود مقال، یاشار نوری ئوزترک، یاشار کمال و مصطفی عالی افندی را نام برد. برخی از ایشان را همچون استاد مستقیمش، یعنی عبدالباقی بیشتر و مابقی را در حدّ توان خویش معرفی کرده است. همچنین سبحانی شناسنده فرد برجسته‌ای در ترکیه است که با فرهنگ ایران در پیوند است. نام وی میرزا حسین خان متخلّص به «دانش» (متوفی ۱۳۳۲ش) است. وی ایرانی الاصل بود؛ ولی مدت مدیدی را در آنکارا و استانبول اقامت داشت. اغلب تألیفات وی به ترکی عثمانی نگارش یافته‌اند. وی در استانبول کتابی درباره زندگینامه ۱۵ تن از شعرای نامدار ایران از رودکی تا حافظ چاپ کرده است. کتاب او حاوی رباعیات خیام به همراه توضیحات افزوده است که توفیق سبحانی آن را به زبان فارسی ترجمه کرده است.^{۲۴}

از دیگر شخصیت‌های شناخته شده در ترکیه درباب تصوّف، «سلیمان آتش» است. سلیمان آتش رساله دکتری خود را درباره «ابو عبدالرحمان سلّمی» از بزرگان صوفیه و صاحب

۲۳. عبدالباقی گولپینارلی، «دیروز و امروز»، ترجمه توفیق سبحانی، نشر دانش (بهمن و اسفند ۱۳۷۱، شماره ۷۴)،

ص ۱۸-۲۱.

۲۴. حسین دانش، رباعیات خیام، ترجمه و توضیح توفیق سبحانی (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹).

کتاب *طبقات الصوفیه* نگاشته است. سلیمان آتش به این جریان دیرپا در تاریخ اسلام یعنی تصوف اهمیت بسزایی داده است. وی در کتاب مورد بحث به نوعی از تفسیر، تحت عنوان «مکتب تفسیری اشاری» قائل بوده که متعلق به جریان تصوف است.^{۲۵} همچنین در ادامه سنت ترجمه، پژوهش‌های مربوط به تصوف به زبان ترکی، سهمی نیز نصیب اثر یاشار نوری نوزترک می‌شود. کتاب *شهید راه حقیقت و عشق* از این نویسنده که در واقع رساله دکتری او و مربوط به حسین بن منصور حلاج است به فارسی ترجمه شده است. وی آثار دیگری نیز در زمینه تصوف و اسلام داراست.^{۲۶}

سلیمان محمد نحیفی، مثنوی معنوی مولانا را در همان وزن خود (زَمَلِ مسدّس محذوف) به زبان ترکی سروده است. این فرد علاوه بر آشنایی با زبان فارسی، از اصطلاحات عرفان و تصوف آگاهی داشته و با زبان عربی نیز آشنا بوده است. سبحانی در مقاله خود درباره وی به معرفی وی پرداخته و اطلاعاتی را درباره زندگینامه وی می‌نگارد. وفات وی در سال ۱۱۵۱ قمری در سن نزدیک به صد سالگی در استانبول بوده است. سبحانی در آغاز مقاله خویش اشاره می‌کند با وجود اثر شایان توجه نحیفی به این فرد کم توجهی شده است؛ لذا در صدد برآمده تا خوانندگان و پژوهشگران را با وی بیشتر آشنا سازد.^{۲۷}

کتاب‌ها و مقالات مرحوم احمد آتش عموماً درباره زبان و ادبیات عربی و فارسی، زبان و ادب ترکی، تاریخ و نظایر آنهاست. سبحانی، با وجود تنوع بسیار کارهای احمد آتش، سعی کرده است فهرستی از کتاب‌ها و مقالات وی در اختیار اصحاب دانش قرار دهد. این فهرست در پایان مقاله‌ای مربوط به زندگی‌نامه وی آمده است.^{۲۸} وی همچنین مقاله‌ای که در آن احمد آتش ۱۸ بیت «نی‌نامه» را شرح داده به فارسی ترجمه کرده است.^{۲۹}

۲۵. سلیمان آتش، *مکتب تفسیری اشاری*، ترجمه توفیق هـ سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ش.

۲۶. یاشار نوری نوزترک، *شهید راه حقیقت و عشق*، ترجمه و توضیح توفیق هـ سبحانی (تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۲).

۲۷. توفیق سبحانی، «سلیمان محمد نحیفی»، *معارف* (آذر - اسفند ۱۳۶۶، شماره ۱۲)، ص ۱۲۸ - ۱۳۲.

۲۸. توفیق سبحانی، «زندگی و آثار پروفیسور احمد آتش»، *آینه میراث* (پاییز و زمستان ۱۳۸۴، شماره ۳۰ و ۳۱)،

ص ۳۶۱ - ۳۷۶.

۲۹. احمد آتش، «معنای ۱۸ بیت آغاز مثنوی»، ترجمه توفیق سبحانی، *معارف* (مرداد - آبان ۱۳۸۵، شماره ۸)،

ص ۱۰۳ - ۱۱۸.

از دیگر شخصیت‌های مورد علاقه توفیق سبحانی برای معرفی به فارسی‌زبانان «تحسین یازجی» است. از زمینه‌های اصلی کار وی تصحیح نسخه‌های خطی و احیاء آنهاست. سبحانی پس از بیان مختصری از زندگی‌نامه وی به آثار او اشاره دارد. تصحیح انتقادی *مناقب العارفین افلاکی*، تصحیح *مناقب جمال الدین ساوی* (به فارسی است) که در ۱۹۷۲ میلادی در انجمن ترک به چاپ رسید، از آثار مهم اوست. محتوای آن درباره طریقت قلندریه است. وی *مناقب ابراهیم گلشنی* از محی الدین گلشنی درباره طریقت گلشنیه را نیز تصحیح کرده است. متن کتاب ترکی است، ولی اشعار فارسی نیز دارد. در سال ۱۹۸۲ میلادی در انجمن ترک به چاپ رسید.^{۳۰}

سبحانی علاوه بر حوزه ادبیات و تصوف، در زمینه ترجمه داستان و رمان نیز فعالیت کرده است. وی رمانی تحت عنوان *طبل حلبی* از یاشارکمال نویسنده ترک ترجمه کرده است. نام اصلی وی کمال صادق گوجلوی است.^{۳۱} رمان دیگری که توفیق سبحانی از ترکی به فارسی ترجمه کرده است *آقای پیپ* نام دارد که به بخشی از تاریخ ۵۰ سال اخیر ترکیه اشاره دارد. نویسندگان این کتاب سونر پالچین و دوغان یورداقول هستند.^{۳۲}

بکتاشیه

از دیگر آثار توفیق سبحانی، مقاله وی درباره «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه» است. حاجی بکتاش ولی، از نیشابور، پدرش سید ابراهیم ثانی و مادرش خاتم، دختر شیخ احمد از علمای نیشابور بوده است. او را بکتاش رومی نیز خوانده‌اند. سال‌های ۶۰۵، ۶۴۵، ۶۴۶ قمری را سال ولادت وی گفته‌اند. او را از سادات کاظمیه و شاگرد شیخ لقمان خراسانی دانسته‌اند. برخی نیز او را شخصیتی نیمه افسانه‌ای پنداشته‌اند. مدتی در خدمت خواجه احمد یسوی بوده و به فرمان استاد برای جهاد به بدخشان نیز رفته است. با بازگشت به خراسان برای سفری به نجف رفته و چهل روز مقیم می‌شود. بعد از آن عزم مکه و سپس بیت الاقصی می‌کند. از دمشق و حلب دیدار کرده و سپس راهی دیار روم شده و در همانجا سکونت اختیار می‌کند. برای وفات وی سال‌های ۶۹۷، ۷۳۸ و ۷۳۹ قمری را ذکر کرده‌اند. سال ۶۶۹ قمری نیز به عنوان سال وفات

۳۰. توفیق سبحانی، «یادی از استاد تحسین یازجی»، پیک نور (پاییز ۱۳۸۲، شماره ۳)، ص ۹۵ - ۹۶.

۳۱. یاشارکمال، *طبل حلبی* (تنکه)، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: نشر نی، بی‌تا).

۳۲. سونر پالچین و دوغان یورداقول، *آقای پیپ*، ترجمه توفیق سبحانی (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱).

وی ذکر شده است. حاجی بکتاش در ماوراءالنهر و خراسان مقدمات خود را فراهم آورده و شخصیتش شکل می‌گیرد، اما در آناتولی است که مجال به ظهور رساندن دانسته‌ها و تجربیات خود را می‌یابد. این جغرافیا و بوم بایست در ارتباط با آموزه‌های حاجی بکتاش مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در همین جاست که آموزه‌های وی شایع شده و پیروان بسیاری را به خود جلب می‌کند. از همین رو تحقیقات بسیاری در زمینه شناخت زوایای مختلف زندگی این شخصیت ایرانی صورت گرفته است. شمس الدین احمد افلاکی در *مناقب العارفین*، حاجی بکتاش را معاصر مولوی می‌داند. خراسانی بودنش موجب شده است تا او را از ملامتیه بدانند.

طریقت بکتاشیه از قرن هشتم قمری در قلمرو عثمانی‌ها ریشه دوانید و در قرون نهم تا سیزدهم قمری از نفوذ دینی و سیاسی بالایی برخوردار شد. در زمان محمود دوم، طریقت بکتاشیه به حاشیه رانده شد؛ ولی در زمان سلطان عبدالعزیز مجدداً احیا شد و تا زمان ملغی شدن طریقت‌ها در ترکیه به حیات خویش ادامه داد. این طریقت بین نیروی شناخته شده عثمانی یعنی ینی‌چری‌ها پیروان بسیار داشت. بکتاشی‌گری آیین رسمی ینی‌چری‌ها بود و از حمایت رسمی دولت عثمانی برخوردار بود. غازیان عثمانی این طریقت را به اروپا برده و در تونا و آلبانی شایع ساختند. خانقاه‌های بکتاشی نیز در این مناطق احداث شد. این طریقت، مسیر گرایش به اسلام را در شبه جزیره بالکان تسهیل کرد. از «صاری صالتق» و «عثمان بابا» به عنوان دو تن از عوامل تاثیرگذار در بسط و گسترش طریقت بکتاشیه یاد شده است. در این مقاله («حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»)، سبحانی، بسیاری از اقوال پیرامون حاجی بکتاش و رابطه معنوی وی با سلاطین عثمانی را بی‌پایه و اساس دانسته است. این دست اطلاعات از جعلیات مربوط به قرن نهم و زمان قدرت‌گیری بکتاشیان در قلمرو عثمانی عنوان شده است. دومین موسس طریقت بکتاشیه را «بالیم سلطان» (متوفی ۹۲۲ق) می‌دانند که علاوه بر ابداعات در طریقت به خانقاه‌های بکتاشی نظم و نسق بخشید. خانقاه‌های «بابا» مراکز اصلی بکتاشیه بودند. بکتاشیان در شهرها و قصبات قدرت‌نمایی می‌کردند. طریقت بکتاشیه، علاوه بر اینکه مراکز بزرگ تسنن را تحت الشعاع خویش قرار داده بود، در میان روستاییان و کوچ‌روها و سپاهیان مرزنشین نیز نفوذ یافت. می‌توان گفت طریقت بکتاشی به نوعی التقاط از ادیان و نحله‌های مختلف است. آمیزه‌ای از باورهای غلات شیعی، قلندریه، ملامتیه خراسان، آراء ابن عربی، شمنیزم ترکی و همچنین باورهای حروفی را می‌توان در طریقت بکتاشیه مشاهده کرد. با وجود این، همواره این افکار و آراء التقاطی در طریقت بکتاشیه نامنسجم بوده است. در این مقاله از برخی از آثار و مکتوبات

بکتاشیان یاد می‌شود. پس از آن نوبت به معرفی خانقاه‌های بکتاشی می‌رسد. کهن‌ترین خانقاه بکتاشی در روستای «قره‌اوپوک» یا «حاجیم» تأسیس شد. به مناصب مختلف موجود در خانقاه و اماکنی که در یک خانقاه وجود داشته نیز اشاره شده است. خانقاه حاجی بکتاش، خانقاه کربلا، خانقاه کایقوسوز در مصر و خانقاه دیمتوقه از بزرگترین خانقاه‌ها بوده‌اند. البته بایست تأکید داشت که طریقت بکتاشیه را به‌رغم نفوذ آن در مناطق مختلف، طریقتی ترکی دانسته‌اند که بیشتر مورد توجه ترکان هر منطقه بوده است. در ادامه این مقاله به سلسله مراتب طریقت بکتاشیه، نوع رسیدن به این مقامات، اعتقادات، آیین و مراسم بکتاشیان و وسایلی که داشته‌اند اشاره شده و در مقام معرفی آنها برآمده است. این مقاله از تفصیل زیادی برخوردار است و طریقت بکتاشیه را به خوبی مورد ارزیابی قرار داده و واجد ارزش فراوان است؛ به خصوص که از آثاری که به غیر از زبان فارسی یعنی به ترکی و عربی درباره بکتاشیه مطالبی داشته‌اند، استفاده کرده است که موجب غنای هر چه بیشتر این مقاله شده است.^{۳۳} البته باید این نکته را نیز افزود که نقدهایی نیز به این مقاله وارد شده است.^{۳۴}

سبحانی علاوه بر مقاله فوق‌الذکر، مقاله دیگری درباره بکتاشیه، ولی این بار به صورت ترجمه در اختیار علاقمندان قرار داده است. این مقاله ترجمه‌ای از مقاله‌ای ترکی نوشته احمد رفیق، با عنوان «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم/شانزدهم» است که حاوی اسناد مربوط به شیعیان و بکتاشیان محفوظ در خزینه اوراق ترکیه نیز هست. سبحانی در ابتدای مقاله از محمد امین ریاحی قدردانی می‌کند که میکروفیلم این اسناد را به وی داده است. نویسنده مقاله (احمد رفیق)، در ابتدا جایگاه شیعیان یا به قول وی رافضه و بکتاشیان را در روم ایلی و آناتولی تشریح می‌کند و ضمن آنکه سختی‌های آنان را متذکر می‌شود، اقدامات و حرکات آنان برای قدرت‌یابی را نیز بر زبان می‌آورد. این به این معناست که در مقابل باید از برخوردهایی که حکومت عثمانی با بکتاشیان و شیعیان انجام داده سخن به میان آید. از بزرگان و رهبران قیام‌هایی که بکتاشیان و شیعیان در رأس آن بودند، صحبت به میان آمده است. همانگونه که از عنوان مقاله بر می‌آید، قرن دهم محل بحث نگارنده است؛ یعنی همان زمانی که دولت شیعی صفویه در شرق حکومت

۳۳. توفیق سبحانی و قاسم انصاری، «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم

انسانی تبریز، زمستان ۱۳۵۵ش، شماره ۱۲۰، ص ۵۰۵ - ۵۴۶.

۳۴. هادی عالم زاده و فهیمه مخبر دزفولی، نقدی بر مقاله «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، تاریخ اسلام

(تابستان ۱۳۸۵، شماره ۲۶)، ص ۹۵ - ۱۰۶.

عثمانی شکل می‌گیرد و این حساسیت را نسبت به شیعیان، علویان و قزلباشان بر می‌انگیخته است؛ لذا باید این نکته را نیز در خواندن این مقاله ملحوظ داشت. در ضمیمه مقاله، اسنادی دیوانی الصاق شده است که شامل فرامینی است که در آنها شیعیان و بکتاشیان موضوع سند بوده‌اند و به وقایعی که بکتاشیان و شیعیان در متن آن قرار داشته‌اند، اشاره شده است. این اسناد دارای مطالب جالبی هستند که خواندن آنها خالی از لطف نیست.^{۳۵}

سماع صوفی

توفیق سبحانی مقالاتی را نیز در باب سماع صوفیان و مولویه داراست. یکی از مقالات ترجمه‌ای از رساله «اسماعیل آنقروی» شارح معروف مثنوی معنوی است که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری می‌زیسته است. وی در این رساله ابتدا اقوال مخالفان سماع را نقل کرده است. پس از آن در مقام پاسخ بر آمده با تکیه بر آیات و احادیث از سماع صوفیه دفاع می‌کند. او از آراء امام محمد غزالی در *احیاء علوم الدین* نیز بهره جسته است. از جمله آثار دیگر آنقروی می‌توان به شرح نقش فصوص، شرح *هیاکل النور*، *منهاج الفقرا*، *مفتاح البلاغه* و *مصباح الفصاحه*، *نصاب مولوی* و همین رساله مورد بحث یاد کرد. وی در سال ۱۰۴۱ قمری وفات یافته است. سبحانی متن این رساله را به صورت مستقیم نقل می‌کند. این رساله به زبان ترکی به تألیف در آمده است که سبحانی آن را به فارسی برگردان کرده است.^{۳۶} بر این مطلب باید یادداشت توفیق سبحانی از مجلس سماعی که خود در قونیه شاهد آن بوده است، افزود. وی در آن یادداشت وصفی از مراسم طریقت مولویه به دست می‌دهد.^{۳۷} سبحانی در مقاله دیگری نیز سماع مولویه را دست مایه خود قرار داده تا جلوه‌ای دیگر از سماع را آشکار سازد. در این مقاله او به جایگاه شعر و موسیقی در سماع صوفیانه نظری افکنده است. اینجاست که وی ضمن اشاره به اهمیت موسیقی در سماع از بیرون آمدن موسیقی‌دانان بزرگ از دل همین طریقت مولویه سخن می‌گوید. سخن آهنگین مولانا خود دلیلی بر استفاده از موسیقی در مراسم مولویه است. او اشاره می‌کند که ۴۵

۳۵. احمد رفیق، «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم/ شانزدهم»، ترجمه توفیق هـ سبحانی، معارف (فروردین - تیر

۱۳۷۲، شماره ۲۸)، ص ۶۲ - ۱۱۶.

۳۶. اسماعیل آنقروی، «حُجَّةُ السَّمَاعِ»، ترجمه توفیق هـ سبحانی، *نامه انجمن تابستان* ۱۳۸۶، شماره ۲۶)، ص

۱۶۵ - ۱۹۴.

۳۷. توفیق سبحانی، «سماع»، *فصلنامه هنر (زمستان ۱۳۶۴ و بهار ۱۳۶۵)*، شماره ۱۰)، ص ۳۴۶ - ۳۵۱.

آهنگ تا زمان نگارش مقاله از سماع مولویه، به صورت مکتوب در دست است. این مقاله به طور مشخص به یکی از آیین‌های زمان سلطان سلیم سوم یعنی «سوز دل آرا» اشاره دارد. نبایست جایگاه موسیقی ایرانی را در سماع مولویه از نظر دور داشت؛ زیرا که شعر فارسی در تاریخ خویش همواره هم‌پای موسیقی ایرانی بوده است. سبحانی فراهم آمدن کتابی در باب موسیقی‌های مولویه را از آرزوهای استادش گولپینارلی دانسته است. وی در این مقاله علاوه بر اینکه از تلاش‌ها برای مکتوب کردن موسیقی مورد استفاده در مولوی‌خانه‌ها یاد می‌کند، به اهمیت نی و دیگر سازهای ایرانی در مراسم سماع نظر دارد. از ریشه سماع می‌گوید و به دستگاه‌های موسیقی ایرانی اشاره کرده و در این مقال از اشعار مولانا نیز بهره‌مند می‌شود. آهنگ «سوز دل آرا» را سلطان سلیم سوم همزمان با سال انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ میلادی تدوین کرده است. سلیم سوم خود پیرو طریقت مولویّه بود. در شعر «الهامی» تخلص می‌کرد. اجزای این آهنگ را پیش در آمد، سلام اول، سلام دوم، سلام سوم و سلام چهارم تشکیل می‌دهد که با اشعار فارسی و ترکی همراه می‌شود. به غیر از این آهنگ، ۴۴ آهنگ دیگر نیز برای سماع مولویّه بکار گرفته می‌شود. سبحانی در انتهای مقاله خود تنها به ذکر نام آهنگ‌های دیگر بسنده کرده است.^{۳۸}

حاجی خلیفه کتاب‌شناس بزرگ عثمانی

توفیق سبحانی در مقاله‌ای مبسوط به یکی از چهره‌های مهم تاریخ عثمانی در زمینه کتاب‌شناسی و فهرست‌نویسی یعنی مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی می‌پردازد. به حق می‌توان او را از شخصیت‌های بارز علمی در تاریخ اسلام دانست. اثر عظیم وی کشف *الظنون عن اسامی الکتب و الفنون* حاوی عنوان ۱۵۰۰۰ کتاب و رساله است. سبحانی ابتدا به اختصار کسانی را که کاری شبیه حاج خلیفه کرده‌اند، معرفی می‌کند. از میان آل عثمان شخصی به نام عبدالرحمان بسطامی (متوفی ۸۵۸ق) کتابی به نام *موضوعات العلوم* دارد که درباره صد دانش بحث می‌کند و براساس نگاشته وی در یک رساله خطی اثری به نام *درّه التاج الرسائل و غره منهج الوسایل* داشته است.^{۳۹} ملا لطفی معروف به صاری لطفی که در سال ۹۰۰ قمری اعدام شد کتابی را برای بایزید دوم (۱۴۸۱-۱۵۱۲م) به نام *مطالب الالهیه* درباره علوم نوشت. عصام الدین احمد

۳۸. توفیق سبحانی، «شعر و موسیقی در سماع مولویان»، *نامه انجمن تابستان* ۱۳۸۷، شماره ۳۰، ص ۵-۲۰.

۳۹. نک: توفیق سبحانی، «ادای دین به مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه کتاب‌شناس بزرگ ترک»،

تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی (بهار و تابستان ۱۳۷۸، شماره ۳۰ و ۳۱)، ص ۷-۲۴.

طاشکپری زاده (متوفی ۹۶۸ق) کتاب *مفتاح السعادة و مصباح السيادة* را درباره ۵۰۰ موضوع علم و مؤلفان آنها نگاشت که از جامع‌ترین کتب است. محمد امین بن صدرالدین شیروانی (متوفی ۱۰۳۶ق) نیز در دوره عثمانیان کتاب *فوائد الخاقانیه* را در موضوعات علوم برای سلطان احمد یکم تألیف کرد. سبحانی در این مقاله به صورت مبسوط به زندگی حاجی خلیفه و آنچه در طول عمر خود از سر گذرانده است، می‌پردازد. کاتب چلبی متوفای ۱۰۶۷ قمری است. در کارنامه‌اش ترجمه کتاب از زبان لاتین به ترکی نیز وجود دارد. برخی از آثار وی عبارتند از:

- ۱- *اقوال الاخيار فی التاريخ و الاخبار* به عربی است و *فدککة* نام دارد. چلبی آن را تاریخ کبیر نیز خوانده است. *فدککة التواریخ* نام دیگر آن است. *فدککة* شامل ۳ فصل است: فصل اول: درباره قبایل و اقوام. فصل دوم: یاد کردن از شهرهایی که در فصل نخست از آنها سخن رفته و اشاره به احوالات رجال این شهرها. فصل سوم: درباره حوادث مهم از آغاز هجرت پیامبر اکرم ص تا سال ۱۰۰۰ قمری. ۲- *فدککة ترکی* که شامل حوادث سال ۱۰۰۰ تا ۱۰۶۵ قمری است. ۳- *تحفة الکبار فی اسفار البحار*، تألیف ۱۰۵۵ قمری درباره دریاداری. ۴- *تقویم التواریخ*، شامل وقایع از هبوط آدم تا سال ۱۰۵۸ قمری که به عربی است. ترجمه فارسی آن در ایران توسط موسسه میراث مکتوب به چاپ رسیده است. ۵- *قانون نامه* ۶- ترجمه *تاریخ فرهنگ* ۷- *تاریخ قسطنطنیه و قیصریه* ۸- *رونق السلطنة* ۹- *ارشاد الحیاری الی تاریخ اليونان و الروم و النصارى* به منظور اصلاح خطاهای موجود در تواریخ اسلامی درباره حوادث اروپا نگاشته شده است. ۱۰- *سلم الوصول الی طبقات الفحول* ۱۱- *جهان نما* از قدیم‌ترین کتب جغرافیا به زبان ترکی است و در ۱۱۴۵ قمری به همت ابراهیم متفرقه چاپ شده است. ۱۲- *بحریه* که از جهان نما برداشته شده است، درباره منطقه روم ایلی و بوسنی است. ۱۳- *لوامع النور فی ظلمت اطلس مینور*، ترجمه اطلس مینور از مرکاتور. ۱۴- *العام المقدس فی فیض الاقدس* ۱۵- *تحفة الاخيار فی الحکم و الامثال و الاشعار*، گفتگوها از سه زبان عربی، فارسی و ترکی ۱۶- *درر المنتشرة و غرر المنتشرة* ۱۷- *دستور العمل فی اصلاح الحلل* (در آیین کشورداری) ۱۸- *رجم الرجیم بالسنین و الجیم* (مجموعه‌ای از فتاوی عجیب شیخ الاسلام‌های عثمانی به صورت سوال و جواب) ۱۹- شرح تفسیر *بیضاوی* ۲۰- *حسن الهدایه* (شرح محمدیه، علی قوشچی که برای سلطان محمد فاتح فراهم کرده بود). ۲۱- *جامع المتون* (مجموعه‌ای که از نزدیک به ۳۰ کتاب گزینش شده است). ۲۲- *میزان الحق فی اختیار الاحق*، آخرین اثر چلبی در سال ۱۰۶۷ قمری، درباره مسائل دینی مختلفی که در روزگار او وجود داشته است. ۲۳- *گزیده لطایف نگارستان غفاری* ۲۴-

گزیده نوادر تاریخ و طبقات ۲۵- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، اساسی‌ترین کتاب وی در زمینه کتاب‌شناسی است که کتاب مفتاح السعادة طاش کپری‌زاده، الهام‌بخش وی بوده است. کشف الظنون که در آن نام کتاب‌ها به صورت الفبایی نوشته شده است تا پایان حروف الفبا نرسیده است؛ از این بابت عده‌ای بر آن ذیل نویسی کرده‌اند. ویشنه زاده محمد عزتی (متوفی ۱۰۹۲ق)، ملحقاتی بر این اثر افزوده است. حنیف زاده احمد طاهر افندی (متوفی ۱۲۱۷ق)، ۵۰۶ کتاب بر آن افزوده که فلوگل آن را چاپ کرده است. ارابه حیلر شیخی ابراهیم افندی (متوفی ۱۱۸۶ق)، ذیلی بر آن نوشته است. شیخ الاسلام عارف حکمت بیگ هم ذیلی بر آن دارد. مهمترین ذیل بر آن مربوط به اسماعیل پاشا بغدادی است که *ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون* نام دارد که بیش از ۱۸۰۰۰ کتاب را در قریب ۳۰ سال بر کشف الظنون افزوده است.^{۴۰} البته باید اشاره کرد که سبحانی در مقاله خود اشاره دارد که بسیاری از آثار یاد شده چلبی به صورت نسخه خطی هستند.

کتابنامه

- آتش، سلیمان. «معنای ۱۸ بیت آغاز مثنوی.» ترجمه توفیق سبحانی. **معارف**. مرداد - آبان ۱۳۸۵. شماره ۸.
- _____ . **مکتب تفسیری اثناری**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- آنقروی، اسماعیل. «حُجَّة السَّماع.» ترجمه توفیق سبحانی. **نامه انجمن**. تابستان ۱۳۸۶. شماره ۲۶.
- پالچین، سونر و دوغان یورداقول. **آقای پپ**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: نشر قطره، ۱۳۸۱.
- دانش، حسین. **رباعیات خیام**. ترجمه و توضیح توفیق سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- رفیق، احمد. «شیعیان و بکتاشیان در قرن دهم/شانزدهم.» ترجمه توفیق سبحانی. **معارف**. فروردین - تیر ۱۳۷۲. شماره ۲۸.
- سبحانی، توفیق. «ادای دین به مصطفی بن عبدالله معروف به حاجی خلیفه کتاب شناس بزرگ ترک.» **تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی**. بهار و تابستان ۱۳۷۸. شماره ۳۰ و ۳۱.

- _____ . «برخی از نسخ خطی ناشناخته فارسی در کتابخانه‌های ترکیه (فهرست الفبایی و نشانی کتابخانه‌ها و شماره کتب موجود در آنها». *تحقیقات اسلامی*. سال نهم. بهار و تابستان ۱۳۷۳. شماره ۱ و ۲.
- _____ . «بررسی آخرین شرح مثنوی در ترکیه». *نامه فرهنگستان*. تابستان ۱۳۷۴. شماره ۲.
- _____ . «درباره نسخه‌ای از «مثنوی». *نشر دانش*. بهمن و اسفند ۱۳۷۱. شماره ۷۴.
- _____ . «زندگی و آثار پروفیسور احمد آتش». *آینه میراث*. پاییز و زمستان ۱۳۸۴. شماره ۳۰ و ۳۱.
- _____ . «سلیمان محمد نحیفی». *معارف*. آذر - اسفند ۱۳۶۶. شماره ۱۲.
- _____ . «سماع». *فصلنامه هنر*. زمستان ۱۳۶۴ و بهار ۱۳۶۵. شماره ۱۰.
- _____ . «شعر و موسیقی در سماع مولویان». *نامه انجمن*. تابستان ۱۳۸۷. شماره ۳۰.
- _____ . *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه بروسا*. گیلان: دانشگاه گیلان، ۱۳۶۸.
- _____ . *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه معنیسا*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- _____ . *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های ترکیه*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- _____ . «کتابخانه کوپرلی و فهرست کتب خطی آن». *نامه انجمن*. زمستان ۱۳۸۴. شماره ۲۰.
- _____ . و حسام‌الدین آق‌سو. *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه استانبول*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
- _____ . و قاسم انصاری. «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*. زمستان ۱۳۵۵. شماره ۱۲۰.
- _____ . «هزینه کتابت و تذهیب دیوان کبیر شمس (وقف شده بر تربت شریف مولانا)». *نامه بهارستان*. فروردین ۱۳۸۶. شماره ۱۱ و ۱۲.
- _____ . «یادی از استاد تحسین یازجی». *بیک نور*. پاییز ۱۳۸۲. شماره ۳.
- _____ . ششن، رمضان و توفیق سبحانی. «برخی از نسخ خطی ناشناخته فارسی در کتابخانه‌های ترکیه». *تحقیقات اسلامی*. پاییز و زمستان ۱۳۶۶. شماره ۵ و ۶.

بررسی آثار توفیق سبحانی در ارتباط با تاریخ و فرهنگ عثمانی و ترکیه / ۷۳

- عالم زاده، هادی و فهیمه مخبر دزفولی. نقدی بر مقاله «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه». **تاریخ اسلام**. تابستان ۱۳۸۵. شماره ۲۶.
- کمال، یاشار. **طبل حلبی (تنکه)**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: نشر نی، بی تا.
- «گفتگو با توفیق سبحانی»، **نشریه بخارا**. فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۱. شماره ۲۳.
- گولپینارلی، عبدالباقی. «پیشگفتار ترجمه دیوان حافظ». ترجمه توفیق سبحانی. **اطلاعات حکمت و معرفت**. فروردین ۱۳۹۰. شماره ۶۱.
- _____ . **تصوف در یکصد پرسش و پاسخ**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: مؤسسه فرهنگی نشر دریا، ۱۳۶۹.
- _____ . **در بیان ادبیات دیوانی**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴.
- _____ . «دیروز و امروز» ترجمه توفیق سبحانی. **نشر دانش**. بهمن و اسفند ۱۳۷۱. شماره ۷۴.
- _____ . **فتوت در کشورهای اسلامی و مآخذ آن**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۹.
- _____ . **ملامت و ملامتیان**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: روزنه، ۱۳۷۸.
- _____ . **مولانا جلال الدین**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- _____ . **مولویه بعد از مولانا**. ترجمه توفیق سبحانی. تهران: کیهان، ۱۳۶۶.
- _____ . **نثر و شرح مثنوی شریف**. ترجمه و توضیح توفیق سبحانی. تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- «میراث مشترک ادب فارسی (مصاحبه با توفیق سبحانی)». **کیهان فرهنگی**. آبان ۱۳۸۴. شماره ۲۲۹.
- نوری نوزترک، یاشار. **شهادت راه حقیقت و عشق**. ترجمه و توضیح توفیق سبحانی. تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۲.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی